

آیا نظام مالیاتی ایران، اسلامی است؟

با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر حکومت، این انتظار به حق از سوی مردم پدید آمد که به تدریج و با اجرای برنامه‌های روشن، اهداف و آموزه‌های اسلامی، از جمله در ابعاد اقتصادی تحقق یابد. حال با گذشت بیست و چهار سال از پیروزی انقلاب اسلامی، این پرسش جدی مطرح می‌شود که آیا نظام مالیاتی ایران، اسلامی است، و اگر نیست، مسئولیت عدم تحقق این خواست مکتبی و مردمی را چه کسی یا سمتی بر عهده دارد؟ در این شماره، موضوع پیشگفته را به بحث گذاشته، دیدگاه استادان محترم و دانشگاه، آقایان دکتر سیدکاظم صدر، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی را جویا می‌شویم.

آیا نظام مالیاتی ایران، اسلامی است؟

۱. مؤلفه‌های اصلی برای اسلامی شدن نظام مالیاتی چه چیزهایی هستند؟

□ دکتر سیدکاظم صدر: از ابتدای تشریح و تشکیل نظام اسلامی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخی از مالیات‌ها مانند زکات و خمس به صورت فریضه تشریح و جزو عبادات قلمداد شد و برخی دیگر مانند خراج و جزیه به شکل ابزاری مالی در اختیار بیت‌المال قرار گرفت تا در موارد گوناگون، جهت اعمال سیاست‌های مالی موردنظر به اجرا درآید؛ بنابراین در سنت اسلامی، مالیات، پدیده‌ای سابقه‌دار است؛ به همین جهت، فقیهان درباره‌ی وجوب پرداخت خمس و زکات و شکل اخذ خراج و جزیه، بحث‌های مفصل و آرای بسیاری را ارائه داده‌اند، و در مجموع در وجوب پرداخت خمس و زکات اتفاق نظر دارند. همچنین مالیات‌های موقتی را که دولت‌های اسلامی بنا

به ضرورت موقعیت اقتصادی وضع می‌کنند، مورد اشکال و ایراد قرار نداده‌اند. همین امر، یعنی حلیت یا اباحت مالیات، باعث شده تا حساسیتی که برای انجام امور بانکی و خدمات مالی به علت تحریم ربا پس از انقلاب پیش آمد، در مالیات رخ ندهد و هیچ نوع مالیاتی قطع نظر از مبلغ، مورد تعلق، و شکل آن، هرگز مورد اشکال قرار نگیرد و تمام مالیات‌هایی که پیش از انقلاب گرفته می‌شد، پس از انقلاب نیز استمرار یابد، و افزون بر این‌ها، مالیات‌ها و عوارض و شبه مالیات‌های جدیدی نیز وضع و اخذ شود.

برخلاف نظام بانکداری بدون ربا که بر مبنای فقهی و الگوی اقتصادی مبتنی است، نظام مالیاتی پس از انقلاب ایران، از هیچ الگوی اقتصاد اسلامی پیروی نمی‌کند و بدبختانه به علت عدم مغایرت ظاهری آن با موازین فقهی، هیچ حساسیتی برای اصلاح و جهت‌دهی آن نیز پس از انقلاب از سوی هیچ گروهی ابراز نشده است؛ البته مؤدیان در بخش خصوصی درباره تغییر و اصلاح قوانین مالیاتی موضع می‌گیرند؛ ولی این مواضع بر اساس حفظ منافع شخصی آنان است، نه برای تصویب قانونی متناسب با ویژگی‌های اقتصاد اسلامی. همچنین از جانب فقیهان نیز درباره مصوبات مالیاتی دولت یا مجلس عکس‌العملی دیده نشد و دولت‌های متعددی که پس از انقلاب تشکیل شدند، هیچ‌کدام نه لایحه‌ای برای اجرای مالیات‌های اسلامی تهیه کردند و نه آن را ضرور تشخیص دادند.

نظام مالیات‌های اسلامی، همانند دوران حکومت نبوی و علوی، باید بخشی از نظام اقتصادی اسلام بوده، برای اجرای سیاست‌های مالی و تحقق عدالت اجتماعی تنظیم شده باشد. این ویژگی در تمام مالیات‌های صدر اسلام به‌طور کامل متبلور و مشخص است. با این وصف «مؤلفه‌های اصلی نظام مالیاتی اسلامی» غیر از مطابقت آن با موازین، پیروی از الگوی اقتصاد اسلامی است. در صدر اسلام، مالیات‌های مورد اجرا با اهداف نظام اقتصادی آن منطبق و با سیاست‌های اقتصادی هماهنگ، و دارای ویژگی‌های کارایی اقتصادی و عدالت توزیعی بودند. امروز نیز نظام مالیاتی ما باید بخشی از نظام اقتصاد اسلامی باشد و برای تحقق اهداف آن به کار گرفته شود.

□ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر گیلک: با توجه به بررسی نظام مالیاتی اسلام، مؤلفه‌های ذیل قابل استخراجند:

یک. عبادی بودن (فرهنگ بالای مالیاتی): مالیات‌های ثابت (منصوص)، زکات و خمس، واجبات مالی عبادی هستند؛ بنابراین، مؤدیان با پرداخت این نوع مالیات‌ها، به تکلیف الهی خود عمل می‌کنند. همچنین این مؤلفه به‌واسطه داشتن اثر تربیتی، موجب بالا رفتن فرهنگ

مالیاتی خواهد شد.

دو. عادلانه بودن: مقصود از عادلانه بودن در این جا، عدالت عمودی و عدالت افقی است که ویژگی های ذیل، عادلانه بودن نظام مالیات اسلامی را نشان می دهد.

ا. گسترش پایه مالیاتی: تمام درآمدهای ناشی از سرمایه و نیروی کار و حتی درآمدهای فعلیت نیافته (نقد نشده)، مشمول زکات یا خمس است و هیچ شغل یا فردی از پرداخت مالیات معاف نیست.

ب. رعایت توانایی پرداخت: خمس درآمد کسب که قلم عمده مالیات های اسلامی است، بر مازاد درآمد از مخارج زندگی مؤدی و خانوار تحت تکفل او وضع می شود؛ بنابراین، توانایی فرد در پرداخت مالیات لحاظ می شود. در این جا ذکر این نکته لازم است که معیار در عدالت افقی فقط برابری درآمد نیست؛ برای مثال، فردی که از راه تجارت درآمد کسب می کند با فردی که همان درآمد را از معدن به دست می آورد، مالیات کم تری می پردازد که این خود نشان می دهد معیارهای دیگری، مانند استفاده بیش تر از منابع طبیعی نیز مورد توجه قانونگذار بوده است.

سه. عدم مانع بت در تولید: مالیات های اسلامی خمس به واسطه دارا بودن تعداد نرخ نهایی اندک و پایین (حداکثر دو نرخ صفر و ۲۰ درصد) و در نتیجه، پایین بودن بار مالیاتی؛ انگیزه های کار، پس انداز و سرمایه گذاری را کاهش نمی دهد و حتی در خراج که برخی آن را مالیات ارضی دانسته اند و مقدر آن به صلاح دید حکومت است، امیر مؤمنان علی علیه السلام به مالک اشتر سفارش می کند که توجه او به عمران و آبادی، بیش از توجه اش به درآمد خراج باشد؛ یعنی میزان خراج نباید طوری بسنه شود که مانع تولید باشد؛ به همین دلیل، نرخ های زکات و خمس پایین است و به تجربه نیز ثابت شده که چنین نرخ هایی مانع تولید نیستند. در زکات نیز شرایطی ذکر شده است؛ برای مثال، اگر از چارپایان مشمول زکات، در امر تولید یا حمل و نقل استفاده شود یا اگر طلا و نقره مسکوک به صورت پول رایج در گردش باشند و کنز نشوند، مشمول زکات نیستند.

چهار. اجرای ساده: اجرای پیچیده و نامناسب ناشی از طرح های بلند پروازانه مالیاتی که با توجه به ظرفیت های اجرایی کشورها تدوین نشده اند که خود باعث رانت هایی برای مؤدیان و مجریان شده است، فرار و اجتناب مالیاتی را تشدید می کند. شکاف و دیوار بلند بی اعتمادی بین دستگاه های حکومتی و مردم، سبب افزایش هزینه های اجرایی شده است که برخورد نامناسب مجریان و روش های پیچیده اجرایی، این هزینه را بیش تر می کند.

یادآوری این نکته که قوانین اسلامی در جهت ایجاد بستر مناسب برای رشد اخلاقی مردم، و هدف حکومت اسلامی تقویت ارزش ها و ایجاد زمینه مناسب برای رشد مناسبات انسانی است،

در اداره مالیات‌های اسلامی دقیقاً به این موضوع توجه شده و با روش خود اظهاری و خود تشخیصی، به مقدار زیاد از هزینه اجرا کاسته است. این نکات را می‌توان از وصیت امام علی علیه السلام (نامه ۲۵ نهج البلاغه)، به دست آورد؛ افزون بر این که در مالیات خمس، تمام امتیازات لغو، و تبعیضات مالیاتی در درآمدها حذف شده است. این که امام علی علیه السلام بر خود اظهاری تأکید می‌ورزد، سنت پسندیده‌ای است که مزایای بسیاری افزون بر جنبه‌های درآمدی دارد. ارزش جلب اعتماد مردم، کم‌تر از زیان درآمدهای از دست رفته به واسطه برخی سوء استفاده‌ها از این اعتماد نیست که البته آن هم با روش‌های نظارتی قابل کنترل است؛ ضمن این که کاهش هزینه‌های گردآوری نیز بازده وصول مالیات را افزایش می‌دهد.

۲. با چه شاخص‌هایی می‌توان اسلامی بودن نظام مالیاتی را ارزیابی کرد؟

□ دکتر سید کاظم صدر: این شاخص‌ها را می‌توان از الگوی مالیات‌های اسلامی استنباط کرد. الگوی مزبور را نیز همانند خود الگوی اقتصاد اسلامی می‌توان از صدر اسلام، از دوران حکومت پیامبر و حضرت امیر مؤمنان که احکام، قوانین، سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های آن مورد قبول و سرمشق همه مسلمانان است، استخراج کرد. با مطالعه ویژگی‌های مالیاتی خمس، زکات، و خراج که مالیات‌های عمده و اصلی در صدر اسلام بودند می‌توان به الگویی از مالیات‌های اسلامی دست یافت.^۱ بررسی مالیات‌های یادشده نشان می‌دهد که همه، مالیات مستقیم بوده، از صاحبان درآمدهای خالص به صورت پس‌انداز، سود، اجاره و شبهه اجاره گرفته می‌شد. هیچ نوع مالیات بر درآمد ناخالص یا مصرف اشخاص وجود نداشت و به طور غیرمستقیم، هیچ‌کس مشمول پرداخت مالیات واقع نمی‌شد.

ویژگی دوم مالیات‌های صدر اسلام، شکل متغیر و نسبی بودن آن‌ها است. نرخ مالیاتی خمس ۲۰ درصد و نرخ زکات از ۱ تا ۲ درصد برای دام، ۲/۵ درصد برای دینار و درهم، و از ۵ تا ۱۰ درصد برای محصولات زراعی خاص، متغیر است. چگونگی تعلق این نرخ‌ها و شرایط آن در جای خود بحث شده^۲ و بازگویی آن‌ها از حوصله این گفت‌وگو خارج است. خراج نیز متناسب با اجاره زمین‌های کشاورزی وضع می‌شد. قطع نظر از جزیه که سهم ناچیزی از درآمدهای مالیاتی صدر اسلام را دارا بود و به همین جهت، برای الگوگیری از آن صرف نظر شد، شاید یگانه مورد استثنا، زکات فطره باشد که به طور سرانه و سالانه برابر با تقریباً سه کیلوگرم از غذای اصلی هر فرد توانمند و متمکن در تمام سال اخذ می‌شد. جز این، هیچ مورد دیگری از مالیات‌های ثابت را

نمی‌توان یافت. اخذ مالیات از مازاد اقتصادی اشخاص، هیچ اثر نامطلوبی را بر کارایی اقتصادی فعالیت‌های اقتصادی وارد نمی‌آورد؛ زیرا شرط لازم و کافی برای تعادل اقتصادی، هیچ تغییری نمی‌کرد. این ویژگی، سبب تقویت نظام تولید و تضمین آن می‌شد و از آثار نامطلوبی که دیگر انواع مالیات‌های غیرمستقیم یا تصاعدی بر درآمد خالص دارند و انگیزه رشد تولید را می‌کاهند، جلوگیری می‌کند.

به سبب نسبی بودن، مالیات‌های مزبور به طور خودکار باعث تثبیت تعادل در اقتصاد می‌شوند بدین معنا که هنگام افزایش تقاضای کل بر عرضه کل، و پیدایش تورم، میزان مالیات متعلقه افزایش می‌یابد و بر عکس، هنگام رکود، میزان آن فرومی‌کاهد. این تثبیت‌کنندگی چنان که می‌دانیم از ویژگی‌های مالیات‌های نسبی است. باز به سبب همین ویژگی، مالیات‌های صدر اسلام سبب توزیع درآمد میان اشخاص می‌شد؛ زیرا اشخاصی که پس‌انداز یا درآمد خالص بیش‌تری پس از اشتغال به فعالیت‌های اقتصادی نصیبشان می‌شد، مبلغ مالیات آنان نیز بیش‌تر می‌شد و اشخاص کم درآمد، مالیات به نسبت کمی می‌دادند.

ویژگی سوم مالیات‌های یادشده این بود که قابل انتقال به غیر نبودند. بخشی از مالیات‌هایی که از هر واحد تولید گرفته می‌شود، به کسش تقاضا و عرضه آن کالا و سهولت قابل انتقال بودن به مشتریان آن کالا به وسیله فروشندگان بستگی دارد؛ ولی مالیات‌های اسلامی چون در پایان سال مالی از پس‌انداز یا درآمد خالص فروشنده گرفته می‌شود، قابل انتقال به اشخاص دیگر نیست. ویژگی چهارم مالیات‌های مزبور، داشتن معافیت است. در زراعت، اگر مقدار محصول تولیدی و در دامداری اگر تعداد دام پرورشی از اندازه معینی کم‌تر باشد، تولیدکنندگان مزبور از پرداخت زکات معافند. همچنین اگر ذخیره دینار و درهم مکلفی در پایان سال از حد معینی کم‌تر باشد، باز از پرداخت زکات معاف است. این ویژگی که سبب حمایت از تولیدکنندگان کوچک و نوپا می‌شود، به توزیع درآمد میان ایشان و دیگر تولیدکنندگانی که زکات می‌پردازند، کمک می‌کند. معافیت خمس، تأمین حد نصاب زندگی است. تا پس‌انداز کسی به اندازه‌ای نرسد که مخارج سال او را تأمین کند، از پرداخت خمس معاف است. همچنین زمین‌های غیر حاصلخیزی که هزینه زراعت در آن‌ها بالا بود و به همین جهت، در پایان سال، اجاره‌ای به آن‌ها تعلق نمی‌گرفت، از پرداخت خراج معاف بودند.

ویژگی پنجم مالیات‌های یادشده، ایجاد مشوق برای سرمایه‌گذاری و رشد تولید بود. اگر کشاورزی برای توسعه فعالیت زراعی خویش و به‌کارگیری روش زراعت آبی، به حفر چاه اقدام و از آب آن استفاده می‌کرد، میزان زکات متعلق به محصول او نصف می‌شد. اگر دامداران برای

گسترش تولید به کشف علوفه یا خرید آن اقدام می‌کردند، از پرداخت زکات معاف می‌شدند. هنگام محاسبه خمس، تمام هزینه‌های سرمایه‌گذاری و دیون ناشی از آن از درآمد به دست آمده قابل کسر است. خراج زمین‌های کشاورزی به اجاره‌ای که به سبب حاصلخیزی طبیعی زمین و نوع خاک و موقعیت آن از جهت نزدیکی به رودخانه، جاده یا بازار به زمین تعلق می‌گرفت، بستگی داشت، نه به فعالیت‌ها که به افزایش کارایی تولید، کاربرد فنون جدید کشاورزی یا تغییر مقیاس مزرعه می‌انجامید. افزون بر این، پیش‌تر بیان شد که به علت تعلق مالیات‌ها بر سود و اجاره، از کارایی و انگیزه افزایش تولید به هیچ وجه کاسته نمی‌شد.

مالیات‌های صدر اسلام، هر یک مصارف خاص و معینی داشت و پرداخت‌کنندگان آگاه بودند که مالیات‌های آن‌ها به چه مصارفی خواهد رسید؛ بدین سبب میل به پرداخت در میان ایشان تقویت می‌شد؛ زیرا درباره چگونگی هزینه‌شدن مالیات‌های خود آگاهی کافی داشتند. افزون بر این، درآمدهای مالیاتی هر آبادی، نخست صرف رفع نیازمندی‌های همان محل می‌شد و چنان‌که مازادی باقی می‌ماند، برای مرکز فرستاده می‌شد. این ویژگی، انگیزه مضاعفی در مؤدیان برای پرداخت پدید می‌آورد؛ زیرا می‌دانستند که پرداخت‌های ایشان، ابتدا در محل سکونت خود و در مصارف مورد نظرشان خرج می‌شود.

اطلاع از چگونگی گردآوری مالیات‌های مزبور، به‌ویژه در زمان امیر مؤمنان علیه السلام که دامنه اقتصاد بر اثر فتوحات، گسترش یافته بود، ولی به علت خروج عایشه، معاویه و خوارج بر ضد حضرت و به راه انداختن چندین جنگ خانمان سوز، بیت‌المال را به شدت به درآمدهای مالیاتی نیازمند کرده بود، بسیار آموزنده است؛ زیرا یکی دیگر از ویژگی‌های مهم نظام مالیاتی صدر اسلام را نمایان می‌سازد. در فرمانی که حضرت علی علیه السلام به یکی از مأموران مالیاتی خود برای گرفتن مالیات می‌دهد، و این فرمان در نهج البلاغه ارائه شده است، بر حسن رفتار و چگونگی برخورد مأمور مزبور با مؤدیان بسیار تأکید می‌کند. حضرت از او می‌خواهد که به مؤدیان اعلام کند اگر کسی بدهی دارد، به او بپردازد و اگر کسی اظهار داشت که مالیاتی به او تعلق نمی‌گیرد، سخن او را بپذیرد و به بازرسی اسناد مالی او نپردازد. گویا این تأکید حضرت، برای ایجاد اعتماد متقابل و حسن ظن میان دولت و پرداخت‌کنندگان مالیات باشد. در این جا نماینده دولت، ادعای اشخاص مشمول مالیات را مبنی بر معاف بودن ایشان تصدیق می‌کند و گویی ایشان را صادق و درستکار تشخیص می‌دهد. متقابلاً، در اضطرار، هنگامی که دولت نیاز خود را ابراز می‌دارد، چنان‌که پیامبر اکرم هنگام عزیمت به جنگ تبوک چنین کردند، مردم نیز دولت را صادق تشخیص داده، به کمک آن با حداکثر توان خود می‌شتابند.

خصوصیات پیشین، بخشی از ویژگی‌های نظام مالیاتی صدر اسلام است که اگر آن‌ها را همراه با سیاست بودجه و تأمین مالی در صدر اسلام بیامیزیم، به شناختی از چگونگی اتخاذ سیاست‌های مالی و اهداف آن‌ها پی می‌بریم.

آن‌چه ذکر شد، برای نشان دادن شاخص‌هایی بود که به کمک آن‌ها بتوان نظام مالیاتی فعلی را ارزیابی کرد. اطلاعات بیش‌تر در جای دیگر ارائه شده است.^۳

□ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر گیلک: شاخص‌هایی را باید معرفی کرد که بتواند مؤلفه‌های پیشین و در نتیجه نظام مالیاتی را ارزیابی کند.

ممکن است با توجه به پیشرفت‌هایی که در اقتصاد بخش عمومی صورت گرفته است بتوان شاخص‌هایی را به شرح ذیل معرفی کرد.

یک. برای این‌که تشخیص دهیم مؤدیان تا چه اندازه با طیب خاطر مالیات خود را می‌پردازند، محاسبه فرار یا اجتناب مالیاتی مفید است؛ هر چند باید توجه داشت که فرهنگ مالیاتی به میزان بسیار به عملکرد دولت در هزینه کردن دارایی‌های عمومی ارتباط دارد. دولتی که ریخت و پاش‌های آن چنانی دارد و در حالی که مردم، به سختی درآمد به دست می‌آورند، مأموران دولتی، اموال بیت‌المال را حیف و میل می‌کنند، نباید انتظار داشت که فرار مالیاتی کاهش یابد.

دو. عادلانه بودن مالیات‌ها را می‌توان با محاسبه بار مالیاتی بررسی کرد و اگر این نسبت با توجه به توان پرداخت تنظیم شده باشد می‌توان گفت عادلانه است.

سه. شاخصی که می‌تواند تأثیر مالیات را بر انگیزه‌های تولید (مثل سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و کار) بررسی کند، استفاده از مدل‌های مناسب است که در آن، نرخ‌های مالیاتی و کشش‌های مربوط را لحاظ می‌کند. در این روش، بیش‌تر از روش نرخ مالیاتی بهینه استفاده می‌شود؛ ولی با توجه به مسائل اجرایی، امروزه به جای ارزیابی هر مالیات، نظام مالیاتی را ارزیابی می‌کنند که تجربه جهانی نشان داده است مالیات‌های با تعداد نرخ کم و نرخ‌هایی به نسبت پایین و همچنین گسترده بودن پایه مالیاتی، مانعیت کم‌تری دارند.

چهار. با محاسبه هزینه تحصیل یک واحد درآمد مالیاتی، تا حدودی می‌توان سیستم اجرایی را ارزیابی کرد. ارزیابی هر سیستم مالیاتی درباره وظایفی است که برای آن در نظر گرفته می‌شود. ممکن است نقش مالیات‌ها برای کسب درآمد مالیاتی یا توزیع مجدد درآمد یا تخصیص بهینه منابع و یا ترکیبی از آن‌ها در نظر گرفته شود که تا حدود فراوانی به تجربه ثابت شده است برخی از نقش‌ها، به ویژه دو نقش کسب درآمد و تخصیص بهینه (یا کارایی) با نقش توزیع مجدد و درآمد در تضادند؛ بنابراین، باتوجه به اولویت‌های هر نظام سیاسی - اجتماعی،

ممکن است به برخی از نقش‌ها اهمیت داده شود یا برخی از نقش‌ها مانند نقش توزیع مجدد، به عهده‌اهرم‌های دیگر اقتصادی مثل مخارج عمومی گذاشته شود. به نظر می‌رسد که نظام مالیاتی اسلام (مالیات بر درآمد) به واسطه دارا بودن نرخ نهایی یک‌نواخت و معافیت سطح زندگی، سیستم مالیات تصاعدی متمایل (با نرخ‌های نزدیک به هم) دارد؛ بنابراین تأثیر چندانی بر توزیع مجدد نمی‌نهد، و بیش‌تر در جنبه هزینه کردن این درآمدهای عمومی (به‌ویژه زکات) در بالا بردن سطح زندگی فقیران می‌کوشد.

۳. با توجه به مؤلفه‌ها و شاخص‌های مذکور، نظام مالیاتی ایران چقدر به اسلامی شدن نزدیک شده است؟

□ دکتر سیدکاظم صدر: با توجه به الگوی مالیاتی صدر اسلام می‌توان گفت: قانون مالیات بر شرکت‌ها که اخیراً در مجلس شورای اسلامی تصویب، و بر اساس آن، نرخ متفاوت مالیاتی به یک نرخ کاهش یافته و از شکل تصاعدی و چندنرخه پیشین به یک نرخ تبدیل شده است، به مراتب بیش‌تر از قانون سابق به الگوی مالیاتی صدر اسلام نزدیک شده است؛ اما مالیات‌های دیگر به‌ویژه مالیات بر حقوق و دستمزد، و مالیات بر انواع داد و ستد، با مالیات‌های اسلامی فاصله بسیاری دارند. اگر به جای استفاده از انواع مالیات‌های غیرمستقیم فعلی از مالیات‌هایی که به‌طور مستقیم به سود، پس‌اندازهای سرمایه‌گذاری نشده، و درآمدهای خالص به اشکال گوناگون سرقفلی، امتیازات شغلی و اجاره حاصل از منابع دارای عرضه ثابت تعلق می‌گیرد و به عبارت دیگر از همه درآمدهایی که مشمول خمس می‌شود، مالیات گرفته شود، به الگوی مالیاتی اسلامی نزدیک‌تر شده‌ایم. در شکل اخیر، به‌سادگی می‌توان نشان داد که همه اهداف نظام مالیاتی که تخصیص منابع میان «کالاها و خدمات، توزیع درآمد میان اشخاص و کسب درآمد برای بخش عمومی است می‌تواند تحقق یابد.

□ حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر گیلک: پاسخ دقیق به این پرسش، مستلزم تحقیق گسترده است. در زمینه فرهنگ مالیاتی و محاسبه شاخص فرار و اجتناب مالیاتی، گویا دیدگاه عمومی درباره مخارج دولت هنوز هماهنگی لازم را ندارد؛ اگر چه احساس سنگین بودن بار مالیاتی و وجود تبعیض بین درآمد حقوق‌بگیران و درآمد مشاغل دیگر نیز می‌تواند در عدم تمایل باطنی مؤدیان مؤثر باشد؛ البته اصلاحات جدید از جمله بالا رفتن سقف معافیت مالیاتی و کاهش نرخ‌ها، تا حدودی از سنگینی بار مالیاتی به‌ویژه در افراد کم درآمد کاسته است.

تحقیقی که میزان بدهی خمس را برای دهک‌های گوناگون در سال ۱۳۷۵ شمسی محاسبه

کرده است، درباره عادلانه بودن نظام مالیاتی با توجه به نرخ توزم و بالابودن هزینه‌های زندگی و پایین بودن درآمدهای طبقات پایین، نشان می‌دهد که شش طبقه اول از پرداخت خمس معاف بوده‌اند؛ در حالی که فقط طبقه اول درآمدی، از مالیات بر درآمد معاف بوده است. روشن است که افزایش معافیت مالیاتی و کاهش نرخ‌های نهایی، گامی به سمت عادلانه‌تر کردن نظام مالیاتی کشور خواهد بود.

وجود معافیت‌های فراوان برای مشاغل گوناگون به جهت ایجاد انگیزه، به یقین، عدالت افقی نظام مالیاتی را تضعیف می‌کند. همچنین این اصلاحات تا حدودی، موانع انگیزشی تولید (سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و کار) را کاهش داده است؛ هر چند در نظام مالیاتی اسلام به جای استفاده از معافیت‌های بخشی و تبعیض‌آمیز از نظام مالیاتی با بار مالیاتی پایین که مانع تولید نیست، استفاده می‌شود و در عوض، دولت اسلامی موظف است برای ترغیب تولیدکنندگان بخش خصوصی، در امور زیر بنایی و زمینه‌سازی برای سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و تلاش کاری، سرمایه‌گذاری کند.

نکته شایان ذکر این است که مردم مسلمان، بدبختانه با دوگانگی در نظام پرداخت‌های واجب خود روبه‌رو هستند که هم باید وجوه شرعی خود را بپردازند و هم به دولت اسلامی مالیات بدهند که این خود موجب بالا رفتن بار مالیاتی یا دست‌کم افزایش فرار مالیاتی از یکی از دو نوع سیستم یا هر دومی شود.

سرانجام در جهت حفظ احترام و شخصیت مؤدیان و جلب اعتماد آنان، دولت باید بیش از پیش از اهرم‌های اجبار و تهدید در نظام اجرایی بپرهیزد و با تشویق درستکاران و ارشاد و تنبیه مناسب فراریان مالیاتی و اصلاح بیش‌تر نظام مالیاتی، زمینه را برای همکاری و مشارکت مؤدیان فراهم سازد و بدین وسیله، هزینه گردآوری مالیات را کاهش دهد. به نظر می‌رسد که تشکیل سازمان مالیاتی و اصلاحات نظام مالیاتی، گام‌هایی به این سمت خواهد بود.

۴. به نظر شما، مهم‌ترین مانع در مسیر اسلامی شدن نظام مالیاتی ایران چیست و چه راه‌حلی پیشنهاد می‌کنید؟

□ دکتر سید کاظم صدر: مهم‌ترین مانع، نداشتن شناخت از نظام مالیات اسلامی و عدم احساس ضرورت برای فراگیری و اجرای آن است. چنان‌که بیان شد، چون اخذ مالیات، به ظاهر حرمت شرعی ندارد، نه سیاستمداران و دولتمردان و نه اقتصاددانان، در مقام یافتن الگویی از مالیات‌های اسلامی بر نیامده‌اند. داوری درباره مالیات‌های موجود یا جدید در بهترین حالت، بر

اساس تجربه گذشته و عملکرد مالیات‌های پیشین صورت گرفته و به هماهنگی و سازگاری آن با اهداف و عملکرد مالیات‌های صدر اسلام که بهترین الگو برای مالیات‌های اسلامی است، توجه نشده است. به گفته شهید صدر، دین اسلام مکتب اقتصادی دارد و بر این اساس و به کمک علم اقتصاد و ویژگی‌های بومی و تاریخی و جغرافیایی هر اقتصاد باید برای تحقق اهداف آن مکتب، نظامی اقتصادی برپا ساخت. یکی از اجزای این نظام، نهاد بانکداری بدون ربا به شمار می‌رود. جزء مهم و دیگر آن، مخارج و درآمدهای عمومی است که بر اساس الگوی بیت‌المال اسلامی باید اخذ و صرف شود. نظام مالیات‌های اسلامی که شکل تأمین و گردآوری و صرف درآمدهای عمومی را تبیین می‌کند، جزء مهم دیگری از نظام اقتصادی اسلام است. این زیربخش به عللی که گفته شد، هنوز در نظام قانونگذاری و سیاستگذاری مطرح و اجرا نشده است. بدان امید که با شناخته شدن ضرورت و ایجاد آن، به سمت محقق ساختن نظام اقتصاد اسلامی پیش رویم.

□ **حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر گیلک:** مهم‌ترین مانع، عدم شناخت کافی از نظام مالیاتی اسلامی مناسب با موقعیت زمانی و مکانی فعلی است؛ زیرا کوشش دست‌اندرکاران نظام اقتصادی و مالیاتی کشور، خود بر این مطلب گواه است که می‌کوشند نظام مالیاتی را کارا سازند؛ بنابراین اگر نظام مالیاتی اسلامی کارا معرفی شود، از آن استفاده خواهد شد؛ گرچه کارایی نظام مالیاتی، در گرو نظام اقتصادی، بلکه سیاسی - اجتماعی کشور است.

در الگویی چون حکومت علوی که زمینه‌های رانت خواری و حیف و میل بیت‌المال را مسدود می‌کند؛ بر حساب و کتاب زمامداریش نظارت شدید می‌شود و مأموران مالیاتی، به حفظ شخصیت و احترام به مؤدیان موظف هستند، طبیعی است که نظام مالیاتی، به خوبی در خدمت بخش‌های دیگر عمل خواهد کرد و باید اعتراف کرد که بدبختانه تا الگوی علوی فاصله بسیار است؛ ولی امیدواریم با کوشش گسترده و قانونمند کردن نظام مالیاتی و بالا بردن تعهد به اجرای قانون، از این فاصله کاسته شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک: سیدکاظم صدر: *اقتصاد صدر اسلام*، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، صفحات ۹۳ و ۱۴۴؛ حمزه‌پور، صدر و کفائی: *دوررسی مالیات بر شرکت‌ها در ایران بر اساس الگوی مالیات‌های اسلامی*، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، ش ۱۰، بهار ۱۳۸۱ ش ۱.
۲. ر.ک: همان.
۳. همان.